

SID



ابزارهای پژوهش



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه‌های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم‌های آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش مهارت‌های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت‌های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

رابطه‌ی اخلاق و حقوق در حوزه خانواده با نگرش بر سیره حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

زهره سادات میرهاشمی^۱

زهره سادات هاشمی^۲

چکیده

هر محدوده جغرافیایی دارای باید ها و نباید هایی یا به اصطلاح چهارچوبی می‌باشد که در قالب قانون و مقررات متبلور می‌شوند. قوانین در کشور اسلامی ما برگرفته از شرع می‌باشد و رابطه‌ی دین و اخلاق بسیار تنگاتنگ است و دینداری بدون مراعات مکارم اخلاقی محقق نمی‌گردد تا بدان جا که پیامبر خدا صل الله علیه و اله هدف از بعثت خویش را به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی می‌کنند. در این مقاله بر اساس روش مطالعه کتابخانه ای به بررسی سیره اخلاقی حضرت فاطمه سلام الله علیها در تبیین رابطه‌ی حقوق و اخلاق در حوزه خانواده پرداخته شده است. پس از بررسی و توجه به منابع تاریخی زندگی خانوادگی ایشان، حکومت اخلاق و قدرت اخلاق برای موثر واقع شدن اجرای قوانین در حوزه خانواده به اثبات رسیده است.

واژگان کلیدی: قانون، حقوق، اخلاق، خانواده، سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها.

مقدمه

خانواده مهمترین و اولین نهاد اجتماعی انسانی است (لطفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷) و خانواده تنها یک بنیاد حقوقی نیست و نمی‌توان صرفاً توسط قانون‌های ناظر بر آن، این بنیاد را مدیریت کرد بلکه این نهاد با ترکیبی از اخلاق و قانون مدیریت می‌شود و چه بسا قدرت اخلاق در مدیریت و به سرانجام سعادت رساندن افراد آن، بیشتر از قانون است.

در همین راستا در متن قانون اساسی و در اصل دهم قانونگذار اذعان می‌دارد: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

قوانین شامل اصول والایی است و به همین سبب با اخلاق در ارتباط است؛ قوانین موجود در حوزه خانواده نیز از اخلاق مذهبی و اجتماعی نشأت گرفته اند و ضمانت اجرای این قوانین همان اصول اخلاقی می‌باشند (مدرس، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۳۶).

۱ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران، z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

به طور مثال در جایی که مرد فاقد وجدان و اصول اخلاقی باشد در صورت عدم وجود اجبار از سوی مراجع قضایی هیچ ضمانت اجرایی نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۹۲) در حالی که غالب زوج‌هایی که بدون هیچ اجباری نفقه همسرشان را می‌پردازند به خاطر وجود وجدان اخلاقی می‌باشد و هیچ اجباری در کار نیست پس وجدان این افراد موثر در پرداخت حقوق همسرشان می‌باشد در حالی که در برخی موارد حتی به اجبار مراجع قضایی نیز نمی‌توان زوج را وادار به رعایت حقوق همسرش کرد مثل عدم توانایی مراجع قضایی بر وادار کردن به حسن خلق با زوجه .

از سویی قانون به جهت مدیریت بر برخی از محورهای خانواده مثل عشق و وفاداری و ... عاجز است در حقیقت مسائلی از این دست قواعد اخلاقی هستند که حقوق به عاریه گرفته است (کاتوزیان ، ۱۳۷۷ ، ج ۱ ، ص ۵۹۳) .

روشن است که تمام این اصول اخلاقی حاکم بر حقوق از منبع هدایت بشریت یعنی دین اسلام سرچمه می‌گیرد چرا که اسلام دین بزرگ اخلاق است، و آموزش‌های اخلاقی این دین مبین از مهم‌ترین آموزش‌های اخلاقی تاریخ تعلیم و تربیت بشری است تا بدان جا که پیامبر (ص) هدف از بعثت خویش را کامل کردن این رذائل اخلاقی معرفی می‌کنند « إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ » (مجلسی، ج ۶۸، ص ۳۸۲؛ نوری، ج ۱۱، ص ۱۸۷).

زندگی حضرت فاطمه (س) سراسر درس و الگو برای هر انسانی می‌باشد چرا که فراتر از اخلاق و موازین اخلاقی و همواره تواءمان با گذشت به زندگیشان ادامه داده اند و ما سعی بر آن داریم با بررسی سبک زندگی و سیره ایشان ، ترکیب اخلاق و حقوق را در یک خانواده دینی کامل به رشته ی تحریر در آوریم .

ضرورت این کار پژوهشی آنجا روشن می‌شود که با استناد به سیره عملی حضرت فاطمه سلام الله علیها سعی بر آن داریم تا پیوند میان اخلاق و حقوق را به وسیله‌ی اسطوره و الگویی کامل از اخلاق بیان کنیم وگرنه بسیاری از پژوهشگران به بررسی رابطه ی اخلاق و حقوق پرداخته اند و در ادامه کار پژوهشی حاضر مشاهده می‌کنیم ایشان در کنار این اصول اخلاقی بسیار پایبند به رعایت حقوق دیگران هم بوده اند .

۱- شناخت مفهوم حق

«حق»، واژه‌ای عربی است که به معنای «ثبوت» و «تحقق» است؛ «لسان العرب»، «حق» را به معنای ثبوت و ثابت گرفته است (ابن منظور، ج ۱۰، ص ۴۹). وقتی می‌گوییم چیزی تحقق دارد؛ یعنی ثبوت دارد. گاهی برای معادل آن در فارسی، «هستی پایدار» به کار برده می‌شود؛ یعنی هر چیزی که از ثبات و پایداری بهره‌مند باشد، حق است (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۸-۱۷) .

برخی نیز مطابقت حالات نفسانی با واقعیت را حقیقت دانسته اند و سپس معنای حقیقت را از احساس یا همان حالات نفسانی خارج ساخته و صرف واقع شدن در خارج را حقیقت دانسته اند و معنی آن را به واژه حق نیز تسری بخشیده اند (مدرسی، ۱۴۲۲، ص ۲۹-۲۸) .

در اصطلاح حقوقی هم معانی متعددی برای آن بیان شده است که یکی از آن معانی عبارت است از امتیازی که جامعه برای افراد خود به وجود می آورد مثل حق زوجیت یا حق مالکیت (کاتوزیان ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۲۱).

علامه طباطبایی بر این باور می باشد که حق نوعی اختصاص است که به طور اجمال حتی قبل از تشکیل جامعه وجود داشته است و بعد از پیدایش صور گوناگونی دارد که یکی از آنها حق می باشد. (شمسی، ۱۳۸۵، ص ۲)

در اصطلاح فقهای شیعه، تعاریف گوناگونی از حق ارائه کرده اند: بعضی حق را سلطه ضعیف بر مال یا منفعت تعریف کرده اند (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶).

برخی از منابع حقوقی از حقوق با عنوان مجموعه قواعدی که بر اشخاص، از این جهت که در اجتماع هستند حکومت می کند، یاد کرده اند و یا از حقوق اینگونه تعبیر می کنند: برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می شناسد و توان خاصی به او می بخشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳).

در کتاب ترمینولوژی حقوق نیز معانی متعددی برای واژه ی حق بیان شده است که یکی از آن معانی از این قرار است: قدرتی که از طرف قانون به شخصی داده شده حق نامیده می شود در فقه هم این معنی کلمه سلطه را به کار می برد حق به این معنی دارای ضمانت اجرا است و آن را حق تحقیقی و حقوق موضوعه و حقوق مثبت نیز گفته اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶).

۲- شناخت مفهوم اخلاق

اخلاق-چنان که گفته اند-جمع «خُلُق» است و خُلُق، اسم مصدر «خُلِقَ» می باشد. خُلُق به معنای آفریدن و به وجود آوردن می باشد. بنابراین، مراد از اخلاق، ایجاد و پیدایش حالت ها و صفات مطلوب در روان انسان است. در تعریف اخلاق گفته اند: علمی است که درباره مجموعه ملکات نفسانی و صفات و خصائص روحی ای بحث می کند که به صورت اختیاری در انسان به وجود می آید. در تعریف مذکور، سخن از «ملکات نفسانی» به میان آمد، در این خصوص باید گفت: هنگامی که کاری دائماً و به تکرار انجام شود، در هر بار، در نفس انسان تأثیر می گذارد و بعد از مدتی در روح رسوخ می یابد و در نفس مستقر می شود، در این صورت می گویند که آن صفت به صورت «ملکه» در آمده است،

اما اگر در روح، ملکه نشود از آن به «حال یا عادت» تعبیر می کنند (یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). گویی از معنای اصطلاحی اخلاق می توان با عنوان حالت نفسانی پایدار یاد کرد (ابن مسکویه، ۱۴۲۶، ص ۳۶).

برخی هم اخلاق را اینگونه تعریف کرده اند: الاخلاق هی السبیل الی السیطره علی الواقع؛ گویی اینان اخلاق را راه کنترل واقعیت دانسته اند (مدرسی، ۱۴۱۷، ص ۵۰).

در منبعی دیگر نیز از آن با تعریف ذیل یاد شده است:

قواعدی که در طول ادواری از زندگی یک جامعه بسائقه ی فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آنها را محترم شمرده و بیش و کم به معرض اجرا در می‌آورند و تخلف از آنها وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت کند مبنای آنها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌ها است و ممکن است قوانین موضوعه اصول آنها را مورد احترام قرار دهد بدون اینکه وارد جزئیات آنها شود. در یک کشور اگر امور اخلاقی همه افراد آن کشور را در بر گیرد (یعنی اختصاص به ناحیه معین یا جماعت معین نداشته باشد) آنها را اخلاق عمومی گویند. اصطلاح اخلاق در مقابل حقوق و قواعد راجع به زندگی قضایی قرار می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

در منبعی حقوقی اخلاق را این‌گونه تعریف کرده‌اند که مجموعه‌ای از قواعد می‌باشد که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. قواعد اخلاق میزان تشخیص نیکی و بدی است و بی‌آنکه نیازی به دخالت دولت باشد انسان در وجدان خویش آنها را محترم و اجباری می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

۳- تاریخچه‌ی ارتباط اخلاق و حقوق

در تاریخ سه مرحله برای ارتباط بین اخلاق و حقوق اتفاق افتاده است:

در اولین مرحله بین اخلاق و حقوق هیچ تفاوتی نبود (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۶۱) پس از آن در مرحله دوم، وقتی در قرن ۱۸ میلادی نهضت آزادی خواهی نضج گرفت، علمای پیشتاز در آزادی خواهی به این فکر افتادند که قلمرو دولت را محدود به اعمال بیرون کنند یعنی بین اخلاق و حقوق یک مرز مشخص بنا نهند اعتقاد آنها این بود که آن چه در درون ماست مربوط به خود ماست.

از پیروان این عقیده ایمانوئل کانت بود که گفت: اخلاق به درون انسان توجه دارد و حقوق به اعمال بیرونی گرایش دارد. هدف سیاسی پیروان این عقیده آن بود که قدرت دولتها را در راه زندگی شخصی مردم محدود کنند و به این باور رسیده بودند که انسانیت در راه اقتدار دولت نباید فدا شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۶۲).

ولی بعد از جنگ جهانی دوم و سوم مرحله سوم ظهور پیدا کرد بدی صورت که: جنگ جهانی اول و دوم ثابت کرد که هر چه در راه دموکراسی تلاش کنیم ظلم را نمی‌توان از بین برده پس باید اصولی پیدا می‌شد که در دموکراسی نیز محدودیت ایجاد کند و سعی شد که ارتباط بین حقوق و اخلاق حفظ شود. از همین جا لزوم تدوین حقوق بشر شکل گرفت و رعایت آن اجباری شد. پس به این نتیجه می‌رسیم که اخلاق و حقوق دارای مفهوم یکسان نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۶۴).

اخلاق قوانین حقوق را ارزیابی می‌کند. علاوه بر این حکمایی که در کار اجتماع اندیشه می‌کنند به این نتیجه رسیده‌اند که اگر اخلاق را از کنار حقوق برداریم، زیبایی و لطافت را برداشته ایم و فقط از زور و اقتدار اطاعت کرده ایم. پس طرز اعمال حق باید اخلاقی باشد.

علاوه بر این، با عنایت به قوانین اخلاقی دولت آزاد نیست که هر قانونی که خواست به تصویب برساند بلکه قوانین و نیروهای اخلاقی مانع آن هستند و اخلاقیات در قوانین نفوذ می کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۸۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

از طرفی اخلاق تکلیف را الزام آور نمی کند بلکه ناظر بر حسن و قبح اعمال می باشد در حالی که حقوق تکلیف را از بعضی ساقط و بعضی دیگر واجب می کند و دارای ضمانت اجرا می باشد (شمسی، ۱۳۸۵، ص ۲).

بحثی قدیمی و اخیر حول محور این موضوع می چرخد: «آیا اصول اخلاقی بر قانون حاکم است یا خیر؟ مکاتب الهی اخلاق را دارای قداست خاص می دانند، در حالی که سایر مکاتب پوزیتیویستی اخلاق را دارای قداست خاصی نمی دانند (سند، ۱۴۲۸، ص ۳۴۲-۳۴۱).

با توجه به مطالب پیشین می توان این چنین اظهار داشت که هدف حقوق ایجاد و برقراری نظم و تحقق بخشی عدالت در جامعه می باشد و بایستی برای رسیدن به این هدف رفتار افراد جامعه را در این چهارچوب تنظیم کرد که برای تحقق این مسئله نیازمند وجدان اخلاقی یا همان قواعد اخلاقی می باشیم.

حال که صحبت از عدالت شد جالب است عنوان کنیم که حقوقدانان بزرگ از علم حقوق با عنوان علم عدالت نیز یاد کرده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص الف).

۴- اخلاق و پابندی به حقوق دیگران در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها

حضرت علی (ع) در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می فرماید: *ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقاً أَفْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ، فَجَعَلَهَا تَنَكُّافاً فِی وُجُوهِهَا، وَ یُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضاً، وَ لَا یُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ؛* آن گاه خداوند از حقوق خود حقوقی را بر بعض مردم نسبت به بعض دیگر واجب گرداند، و آن حقوق را در جهات و حالات با هم برابر قرار داد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود، و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقی که در برابر آن است.

بر این اساس، در مکتب علوی تاکید بر رعایت متقابل حقوق، یک اصل اساسی است پس به طور قطع همین امر توسط بانوی این مکتب امری لحاظ می شود، به همین جهت در ادامه مواردی از رابطه اخلاق و حقوق را در سیره و منش حضرت فاطمه (س) بیان می کنیم.

بطور کلی اخلاقیات در سیره حضرت فاطمه (س) به سه بخش تقسیم می شود. اول: اخلاق فردی، دوم: اخلاق در خانواده، سوم: اخلاق در اجتماع.

اخلاق فردی شامل یک سری از نیازهای طبیعی و معنوی انسان است. پرداختن صحیح به امور جسمی مانند تغذیه و پوشاک و تأمین آنها و مبحث بهداشت و تنظیمات خواب و خوراک که مقدمه و ابزار است برای تأمین نیازهای روحی و معنوی.

اولین نیازهای معنوی، معرفت و بصیرت است و در حقیقت بایستی در نظام اخلاقی اسلام همه مسیرها به معرفت خداوند متعال، عبودیت و قرب خداوند منتهی شود بدین صورت که قواعد اخلاقی برای افراد تنظیم شده است تا راه سعادت آنان را هموار سازد البته مشروط به آنکه مقصود از بکارگیری این قواعد رضایت خداوند باشد: *يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي * الْفَجْر (۸۹): ۲۸-۳۰*.

بعد دیگر، یعنی رعایت اخلاق در خانواده که با رعایت حقوق اعضای خانواده در سیره ایشان گره خورده است، بیانگر آن است که ایشان در طول زندگی با برکشان همواره خویشان را با رعایت موازین اخلاقی ملزم به احقاق حق دیگران داشته اند به این ترتیب که اخلاق را حاکم بر حقوق دانسته و سعی بر این داشته اند که با همان رعایت موازین اخلاقی حقوق دیگران را احقاق کنند.

با الگوگیری از این سبک متقابلاً این انتظار در جامعه کوچکی مثل خانواده می رود و اگر به این شکل باشد که افراد چشم پوشی از حقوقشان و گذشت در مقابل دیگر اعضاء خانواده، در برابر حقشان را سر لوحه امورشان قرار دهند این حرکتی سازنده خواهد بود و چه زیباست این نگرش که با گذشت از حق خود سعی در مراعات حال همسر داشته باشیم در زمانی که همسر حقیقتاً قادر به انجام تکالیف خود نمی باشد و اگر این نگاه ها را در بستر خانواده گسترش دهیم سبب می شود تا این جمع کوچک خانواده تبدیل به یک مامن آرام برای همه افرادش گردد و در کنار آن یک چهارچوب حقوقی نیز می تواند به تنظیم روابط افراد منجر شود که گویی ترکیب این دو در کنار هم سبب تعالی خانواده و به تبع آن جامعه می گردد که در ادامه به صورت موردی برخی از موارد این چینی که می تواند سبب گسترش این سبک و نگاه زیبا در خانواده شود را در سیره حضرت فاطمه (س) بیان می داریم:

و از آن جایی که مقصود در این مقاله، مطالعه در حوزه خانواده می باشد لذا از بیان مورد سوم یعنی اخلاقیات در اجتماع و بررسی آن در سیره حضرت فاطمه (س)، با قصد جلوگیری از اطاله ی کلام خود داری می کنیم.

الف. تسلیم بودن در برابر خداوند اساس رابطه اخلاق و حقوق در خانواده

وقتی عبادت و خدمت در خانه دارای ارزش است که همراه با شناخت حقیقی نسبت به معبود یا امامان معصوم باشد که این در سیره حضرت فاطمه (س) دیده می شود، معرفت و بصیرت فاطمی ایشان را به مقام رضا و تسلیم در برابر خواست خدا، رسانده بود و همواره در برابر مقدرات الهی تسلیم بودند (با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۴۵) و با وجود تمام سختی های معیشتی هیچ خواست مادی نداشت و خواست معنوی را ترجیح می دادند و نفس خود را متوجه روزی رسان اصلی می نمودند؛ که همه اینها از رعایت های اخلاقی حضرت فاطمه (س) نشأت می گرفت.

خدمت در خانه از نظر اخلاقیات دین، عبادت محسوب می شود در نتیجه یقیناً با دید اخلاقی خدمت در خانه خودش ارزش اخلاقی بزرگی است و کسی قادر به درک این ارزش اخلاقی خواهد بود که شناخت حقیقی نسبت به معبودش داشته باشد و تسلیم در رضای خداوند باشد که حضرت فاطمه (س) اینگونه بودند.

حتی ایشان در تصمیم گیری نهایی برای ازدواج با حضرت علی (ع) هم رضایت خداوند را در نظر داشتند (با وفا ، ۱۳۹۵ ، ص ۳۷۶).

ب. ایثار و گذشت و چشم پوشی از حقوق خویش

بعد دیگر، شیوه رفتار در خانواده است که مسئله ایثار و گذشت در خانواده برجسته ترین نکته اخلاق خانوادگی ایشان است و همواره برای تداوم سعادت خانواده، دیگری را بر خود مقدم می دانستند و از حقوق خویش چشم پوشی می کردند. (با وفا ، ۱۳۹۵ ، ص ۳۸۱-۳۸۰).

همچون روزی که حضرت علی (ع) از وی پرسید: چرا از رنج گرسنگی و بی غذا ماندن خانه وی را خبردار نکردی، حضرت فاطمه (س) در پاسخ فرمودند: یا ابالحسن اینی لاستحیی من الهی ان اکلف نفسک مالا تقدر علیه (بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳؛ حائری مازندرانی ، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۱) ای ابالحسن! من از خدای خود شرم می کنم که به تو تکلیفی کنم که قادر به انجام آن نیستی .

ایشان در همان مناسبت به حضرت علی (ع) فرمودند: شما را بر خود و فرزندانم حسین (ع) مقدم داشتم و آن مقدار از طعام که در خانه بود به شما دادم (مقدم، بی تا، ص ۸۰) چه زیبا گذشتشان را به نمایش گذاشته اند و اینگونه گذشتی قطعا تقدیر متقابل همسرشان را در پی داشته است و به طور یقین تداوم چنین حکومت قواعد اخلاقی در خانواده مستلزم درک طرف مقابل از این ایثار و تقدیر از آن است.

همینطور در تاریخ مذکور است که در برخی موارد چند روز متوالی غذایی برای تناول نداشتند ولی حضرت فاطمه (س) بر خود واجب می دانستند که بر همسر خود فشار نیاورند و از ایشان چیزی را که برآورده کردنش در توانشان نیست طلب نکنند، گویی ایشان اصل سازگاری با شرایط حاکم بر خانواده و همسر را که خلاف قوانین و قواعد حقوقی و فقهی همچون وجوب تامین نفقه زوجه از جانب زوج است، در معنای واقعی به نمایش گذاشتند و این سازگاری و وحدت و انسی که میان ایشان و حضرت علی (ع) بوده برای ما درس زندگی است و نشان از حکومت قواعد اخلاقی بر قواعد حقوقی در خانواده دارد (با وفا ، ۱۳۹۵ ، ص ۳۸۴).

بنابراین، ایجاد کانون گرم در خانواده با وجود کمبودها و سختی ها، عدم درخواست نابجا و بیش از توان همسر (با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۸۴؛ تاج لنگرودی ، ۱۳۶۹ ، ص ۲۰؛ مقدم، بی تا، ص ۸۰) را به راحتی در سیره ایشان می توان ملاحظه کرد .

چیزی جز مکارم اخلاقی نمی تواند یک فرد را وادار به این کند که در طول ۹ سال زندگی مشترک در خانه حضرت علی علیه السلام درخواست و تمنای از ایشان نداشته باشند و اصل را بر این بگذارند که باری بر دوش همسرشان اضافه نکنند .

همچنین ایشان مسئولیت ها و وظایف خانه را با تمام سختی ها و دشواری هایی که داشت خودش متحمل می شد و با تمسک به قواعد حقوقی عدم تکلیف زوجه در امور منزل رها نمی نمود. (حکیم و غریبای، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۱) . چنان چه مشهور است که روزی پیامبر (ص) فاطمه را دید که پیراهن خشن و کم ارزشی پوشیده بود و با دست آسیاب می کرد و در

همان حال فرزندش را شیر می داد، پیامبر (ص) در حالی که اشک می ریخت، فرمود: دخترم سختی های دنیا را تحمل کن تا به شیرینی و حلاوت های آخرت دست یابی حضرت فاطمه (س) عرض کرد: ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست در برابر نعمت های بی کران او. (بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۶) به همین مناسبت این آیه شریفه خطاب به پیامبر اکرم نازل شد: «ولسوف يعطيك ربك فترضى» (قرآن الکریم، الضحی ۹۳: ۵)؛ پروردگار تو آن قدر به تو عطا می کند که خوشنود گردی.

موارد فوق یعنی سخت کوشی در خانه همسر و حسن رفتار با همسر و عدم شکایت از سختی امور خانه نمونه ای بارز از ایثار و فداکاری در حق همسر و اهل خانه است که همگی نشأت گرفته از مکارم اخلاقی ایشان و حکومت اخلاق بر حقوق در زندگی خانوادگی ایشان می باشد.

پ. تربیت فرزندان

پرورش و تربیت فرزندان برای پرستش و عبادت حق تعالی (دعائم الاسلام، قاضی نعمان، ج ۱، ص ۲۸۲؛ حبل، ج ۱، ص ۲۳۶؛ با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۹۴؛ مقدم، بی تا، ص ۸۱) یکی از جلوه های اهتمام حضرت فاطمه (س) به حقوق فرزندان ایشان می باشد.

بیدار شدن فرزندان در نیمه های شب با شنیدن صدای گریه های مادر در مناجات با معبود (بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۸۱؛ حائری مازندرانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۰؛ شهیدی، ۱۳۹۱، ص ۹۳) یکی از مواردی بوده که سبب ایجاد شوق پرستش در فرزندان ایشان شده است.

ایشان به برگزاری مسابقه خطاطی بین حسنین (ع) می پرداختند (بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۳۰۹) که خود سبب پرورش فکری فرزندان می شد و جالب آنجاست که با قضاوت نکردن در این که کدام یک برنده مسابقه می باشند نیز درس اخلاق را به فرزندان خود می آموختند. اینها همه بیانگر توجه ایشان به بعد تربیتی فرزندان ایشان می باشد که یکی از حقوق فرزندان بر والدینشان است.

از دیگر ابعاد تربیتی حضرت فاطمه (س) در قبال فرزندان ایشان می توانیم توجه بسیار ایشان به تربیت فرزندان در عین مشغله های بسیار کار و نامگذاری شایسته برای فرزندان، همچنین انجام سنتهای پسندیده اسلامی در قبال فرزندان از قبیل: عقیقه دادن، تراشیدن موهای زائد در روز هفتم، صدقه دادن هم وزن موهای فرزندان از طلا یا نقره به قابله یا همسایگان و درماندگان، اذان گفتن در گوش راست و اقامه در گوش چپ، پرورش شوق عبادت در فرزندان، جایگزین نکردن هیچ عاملی به جای عاطفه مادری، سعی بر تکامل روحی و روانی فرزندان همچون جلوگیری از کمبودهای شخصیتی، استفاده از ابزار بازی برای ایجاد رقابت بین فرزندان به جهت پرورش فکری و جسمی آنها و استفاده از جاذبه های شعر برای آشنایی کودکان با آموزه های دینی نام برد (با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۹۶-۳۹۲).

ت. اطاعت پذیری از همسر و توجه به حقوق معنوی همسر

در روایات بسیاری آمده است که جهاد زن، در خوب شوهر داری کردن است: جهاد المرأة حُسن التبعل (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۹۹).

حضرت فاطمه (س) یقیناً مجاهدت در این سیل را به سر حد اعلایش رسانیده اند و اگر با دقت به موارد مطرح شده در ذیل بیاندیشید متوجه این مطلوب خواهید شد:

ایشان در بیماری که منجر به شهادت آن حضرت شد خطاب به حضرت علی (ع) فرمودند که پسر عمو هرگز مرا دروغگو و خائن نیفتی و از روزی که با تو معاشرت کرده ام، با تو مخالفت نکرده ام (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱، ح ۲۰)؛ این حکایت بیانگر مکارم اخلاقی ایشان و به کارگیری آن در سراسر زندگی با برکتشان می باشد چرا که فراتر از وظایف یک زن در برابر همسرش می باشد و اجباری نیست که زن همواره در اموری که تبعیت از همسر واجب نیست با همسر خود موافقت کند (با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۶۷).

بنا بر منابع فقهی اسلام، زوج موظف به تامین نفقه زوجه می باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۸؛ شبیری زنجانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۷۹۷۸) و باستی در قبال این نفقه پرداختی زن نیز از او تمکین به معنای خاص داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۸؛ شبیری زنجانی، بی تا، ج ۲۵، ص ۷۹۸۸) اما می بینیم که حضرت فاطمه (س) همانگونه که در مطالب بعدی اشاره می کنیم در زندگیشان بر اساس وظایف مذهبی یک همسر عمل نکرده اند بلکه اخلاق را ملاک عمل خویش قرار داده اند و نه تنها درخواست نفقه از همسرشان نداشته و همواره سعی بر عدم درخواست بیش از توان همسر را داشته اند، بلکه در تمام امور با ایشان موافقت داشته اند درحالی که در منابع فقهی تسلیم محض بودن در برابر تمامی خواسته های زوج برای زوجه وجه لزومی ندارد.

در حقیقت حضرت فاطمه (س) با فراهم آوردن فضایی گرم و مهر و محبت مطلوب در خانواده خویش و توجه بر مسئولیت های زندگی زناشویی، عدم خروج بدون اجازه همسر از خانه، خشمگین نساختن حضرت علی (ع) و خیانت نکردن به ایشان سعی در به سرانجام رساندن این رسالت الهی داشتند و متقابلاً حضرت علی (ع) با درک این مکارم اخلاقی ایشان احترام و محبت را نسبت به حضرت فاطمه (س) قائل بوده و از مقام و منزلت بلند مرتبه ای ایشان آگاه بودند و تکریم می نمودند (حکیم و غریبای، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۷).

همچین ایشان یکی دیگر از حقوق معنوی همسرشان یعنی ابراز علاقه قلبی را در کمال ادب رعایت می کردند و همواره ایشان را با الفاظ نیکویی همچون * علی جان یا جانم فدای تو و جان و روح من سپر بلاهای جان تو رُوحی لِرُوحِکَ اَلْفِدَاءَ وَ نَفْسِ لِنَفْسِکَ اَلْوَفَاءَ یا اَبَا الْحَسَنِ *، خطاب می کردند (حائری مازندرانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۹۶؛ با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۸۳) و یقیناً این چنین توجه به نیاز های روحی همسر سبب استحکام بیشتر بنیان خانواده خواهد شد که می توانیم با صراحت بیان داریم که اعمال حقوق به تنهایی نمی تواند در بستر خانواده چنین نقشی را ایفا کند و این خود گویای نقش پر رنگ مکارم اخلاقی می باشد.

همچنین است که ایشان با حجب و حیای خویش گرانباترین عطری را که در اختیار داشتند فقط و فقط برای همسر خود حضرت علی(ع) استفاده می نمودند. (ملک محمدی الیگودرزی، ۱۳۸۵، ص ۳۰) استفاده از عطر، نگاه در آب برای آراستگی ظاهری و شانه زدن، خوشبو بودن با همسر و هنگام نماز، استفاده از رنگ‌های روشن در لباس‌ها همانند سفید و یا رنگ‌های نشاط آفرین و فرح‌زا مثل سبز شیوه زندگی پیامبر (ص) بود که حضرت فاطمه (س) نیز آن را آموخته و همواره بدان عمل می کردند (با وفا، ۱۳۹۵، ص ۳۸۸). یقیناً با بیان این موارد توانستیم نقش پررنگ اخلاقیات را به وضوح در همسرداری حضرت فاطمه (س) بیان داریم.

ث. تقسیم امور خانواده توسط پیامبر (ص)

یکی دیگر از مسائل در زندگی حضرت فاطمه (س) که بر محور اخلاق و حکومت اخلاق بر احکام فقهی شکل گرفته بود تقسیم کارهای زندگی مشترکشان می باشد.

در روایاتی داریم که پیامبر (ص) پدر بزرگوارشان امور زندگی را بین حضرت فاطمه (س) و امام علی (ع) تقسیم کرد و امور داخل خانه را برعهده حضرت فاطمه سلام الله علیها و امور بیرون خانه را برعهده حضرت علی علیه السلام گذارد و آن دو بزرگوار بر این تقسیم‌گرددن نهادند و پذیرفتند (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱، ح ۷؛ تاج لنگرودی، ۱۳۶۹، ص ۲۱-۱۹؛ با وفا، ۱۳۹۵، ص ۹۱؛ بروجردی، ج ۲۵، ص ۵۰۷؛ مقدم، بی تا، ص ۷۷).

با تأمل در روایت فوق و تدبیر در مفاهیم آن می‌توانیم استنباط کنیم که تقسیم امور زندگی بین این دو بزرگوار کاملاً بر محور اخلاقیات صورت گرفته است و نه آن که به طور صریح قانونی برای آن وضع شده باشد؛ در نتیجه اخلاق است که باعث شده حقوق افراد در خانواده لحاظ شود و سبب شده است به طور مثال در این موارد فقط یکی از زوج یا زوجه متحمل سختی نشده و به تنهایی بار سنگینی از مسئولیت‌ها را به دوش نکشد.

و این خودش سبب خشنودی و رضایت همسران از یکدیگر می‌گردد و قطعاً پیوند قلبی آن دو را محکم‌تر می‌کند همانگونه که حضرت فاطمه (س) نیز پس از این تقسیم کار بسیار مسرور گشته و ابراز شادمانی کردند (بحارالانوار ج ۴۳، ص ۸۱؛ حکیم و غریب‌اوی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۲۱).

ج. احترام به والدین

مهر و عاطفه و توجه و از خود گذشتگی حضرت فاطمه (س) در برابر پدر بزرگوارشان در سختی‌ها، نمونه‌ای از مکارم اخلاقی ایشان و احترام به والدین می‌باشد که در بسیاری از موارد فراتر از وظیفه حقوقی است. (حکیم و غریب‌اوی، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۳۳)

نتیجه گیری

اخلاق ضمانت اجرا دارد. همین نگاه شماتت بار مردم ضمانت اجرا را تضمین می کند اما تفاوت آنها در این است که ضمانت اجرایی قانون را دولت تعیین می کند ولی ضمانت اجرای اخلاق را وجدان فرد تعیین می کند در نتیجه میزان پابندی فرد به آن ضمانت اجرایی که حاصل وجدان وی می باشد، بیشتر خواهد بود.

خانواده نهادی مخلوط از قواعد حقوقی و اخلاقی است که قابل انفکاک از یکدیگر نیستند و در این اختلاط غلبه با اخلاق است.

ارتباط بین اخلاق و حقوق بسیار واضح می باشد و به جهت موثر واقع شدن، نقش مکمل همدیگر در جوامع بشری از جمله نهاد خانواده را دارند چه بسا اگر وظیفه اصلی و وظیفه واقعی حقوق اجرای اخلاق بود این تکمیل کنندگی به نهایت خود می رسید و تعالی خانواده را ضمانت می کرد؛ گویی تلفیق این دو و تطبیق حقوق بر اخلاق در حوزه خانواده تضمین کننده سعادت اعضاء می باشد.

قواعد اخلاقی صلاحیت و کیفیت تبدیل به ضابطه شدن را به حقوق اعطا کرده است بدین معنا که اگر یک قاعده کلی فاقد قواعد اخلاقی باشد، ضابطه ی لازم جهت تبدیل شدن به قانون را نخواهد داشت.

آموزه های اخلاقی برگرفته از دین و تلفیق آنها با حمایت های روحی و حقوقی در بستر خانواده سبب می شود تا افراد عضو در این نهاد مقدس در محیطی مساعد رشد و نمو معنوی داشته که سبب سعادت افراد و در نتیجه سعادت جامعه را در پی خواهد داشت. رعایت عدالت در خانواده که نمونه بارز احقاق حق می باشد؛ یک ارزش اخلاقی است.

علم به مکارم اخلاقی و قوانین الهی حاکم بر نهاد خانواده و عمل بر طبق آنها راه یقینی منتهی شدن به سعادت و نیک بختی افراد این نهاد می باشد.

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِدادًا

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنی سر انگشت و صفحه بشماری

هر چه از فضایل اخلاقی بانوی بزرگ اسلام بنویسیم کم است و سراسر کردار و گفتار ایشان اصول و الگوهای اخلاقی می باشد.

۹. در سیره پر برکت حضرت فاطمه (س) رعایت حقوق دیگران اعم از فرزندان و همسر و والدین و... بیانگر تلفیق حقوق با مکارم اخلاقی در حد اعلاء آن می باشد.

۱۰. در رابطه اخلاق و حقوق در حوزه خانواده برگرفته از سیره حضرت فاطمه (س) آن چه مطرح است این است که باید اخلاق مقدم باشد و در سایه اخلاق احترام به حقوق سایر اعضای خانواده به وجود می آید، یعنی اگر رابطه افراد در خانواده متزین به اخلاق باشد یکی از آثار آن حفظ حرمت و حریم حقوق سایر افراد می باشد و یا حداقل آثار حکومت اخلاق در

حوزه خانواده آن است که اگر یکی از اعضا ایثار می کند و یا از حقوق خودش چشم پوشی می کند سایر اعضا نیز این ایثار را مورد تقدیر و تعظیم قرار می دهند .

۱۲. حضرت فاطمه (س) همواره سعی بر آن داشته اند که با رعایت موازین اخلاقی ، حقوق افراد خانواده را در حد اعلایش ادا کنند و اگر ما نیز خود را ملزم به الگو برداری از ایشان کنیم ، این خود متقابلاً مورد تقدیر واقع شدن از جانب سایر افراد و تحکیم بنیان این نهاد مقدس را در پی خواهد داشت .

۱۳. توجه و اهتمام به نیازهای معنوی همسران و افراد خانواده از قبیل محبت و توجه را در سیره حضرت فاطمه (س) در حد اعلاء می بینیم که برگرفته از پابندی ایشان بر مکارم و فضائل اخلاقی است و برایمان واضح است یا درحقیقت بر ما مستور نیست که در این زمینه قانون بسیار ضعیف است و عملاً هیچ گونه ضمانت اجرایی در قبال این گونه احتیاج های معنوی و روحی و روانی افراد خانواده ندارد .

۱۴. آنچه در تمام این کار پژوهشی از اخلاق و حقوق عرضه داشتیم ؛ مقصود خود اخلاق و قانون است نه علم قانون و علم حقوق .

فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دوره ۱۵ جلدی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۲- با وفا، محمد رضا، فاطمه زهرا سلام الله علیها والاترین الگو بزرگ زنان جهان ، قم ، انتشارات فاتح خبیر، چاپ اول ۱۳۹۵
- ۳- بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، رساله السیر والسلوک المنسوبه الی بحر العلوم، مشهد، موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام ، ۱۴۲۶ .
- ۴- بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعۀ)، مترجم: عده ای از فضلاء، دوره ۳۱ جلدی، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
- ۵- تاج لنگرودی ، محمد مهدی ، اخلاق حضرت فاطمه (س)، تهران، انتشارات مولف کتاب، چاپ دوم ۱۳۶۹.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستم ۱۳۸۷.
- ۷- حائری مازندرانی، محمد مهدی، کوكب الدرّی فی احوال النبی البتول و الوصی، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۰.
- ۸- حسینی، داوود، حج و حق الناس، تهران، انتشارات مشعر، ۱۳۹۳ .
- ۹- سند ، محمد ، بحوث معاصره فی الساحة الدولیة ، قم ، مركز الأبحاث العقائدیة، ۱۴۲۸.
- ۱۰- شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، دوره ۲۵ جلدی، قم، موسسه پژوهشی رای پرداز، بی تا.
- ۱۱- شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا سلام الله علیها ، چاپخانه ی دفتر نشر فرهنگ اسلامی لیتوگرافی، چاپ پنجاه و ششم، ۱۳۹۱.

- ۱۲- شمسی ، محمد ابراهیم ، کتاب حقوق خانواده در اخلاق و قانون ، قم ، انتشارات سلوک جوان ، نوبت چاپ : اول ۱۳۸۵ .
- ۱۳- کاتوزیان ، ناصر ، فلسفه حقوق ، تهران ، سهامی انتشار ، ج ۱ و ج ۳ ، نوبت چاپ: اول، ۱۳۷۷.
- ۱۴- کاتوزیان ، ناصر ، مقدمه ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران ، تهران ، انتشارات شرکت سهامی انتشار ، نوبت چاپ : شصت و پنجم ۱۳۸۷ .
- ۱۵- حکیم ، سید مندر (با همکاری عدی غریببوی) ، پیشوایان هدایت ۳ ، صدیقه بری ، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ، قم ، انتشارات مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ، نوبت چاپ : سوم ۱۳۹۶
- ۱۶- لطفی ، اسدالله ، حقوق خانواده ، ۲ جلدی ، تهران ، انتشارات خرسندی ، نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸ .
- ۱۷- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، دوره ۱۱۱ جلدی ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی ، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۸- مدرسی ، محمد تقی ، الفکر الاسلامی ، تهران ، انتشارات دار محیی الحسین علیه السلام ، ۱۴۲۲ .
- ۱۹- مدرسی ، محمد تقی ، التشریح الإسلامی ، ۱۰ جلدی ، تهران ، دار النشر المدرسی ، ۱۴۱۳ .
- ۲۰- مدرسی ، محمد تقی ، النهج الإسلامی ، قم ، انتشارات مدرسی ، ۱۴۱۷ .
- ۲۱- مسکویه ، احمد بن محمد ، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق ، طلیعة النور ، قم ، ۱۴۲۶ ق.
- ۲۲- مقدم ، سید محمد تقی ، فضائل الزهراء و مناقب انسیه الحوراء ، مشهد ، انتشارات مقدم ، بی تا .
- ۲۳- مکارم شیرازی ، ناصر ، متاب نکاح ، دوره ۷ جلدی ، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ، قم ، ۱۴۲۴ .
- ۲۴- ملک محمودی الیگودرزی ، امیر ، کتاب راهنمای خانواده راز شاد زیستن و خوشبختی در کانون گرم خانواده ، قم : انتشارات میراث ماندگار ، چاپ دوم ، ۱۳۸۵ .
- ۲۵- نائینی ، منیة الطالب فی شرح المکاسب ، شرح و توضیح موسی نجفی خوانساری ، قم ، نشر اسلامی ، ۱۴۱۸ .
- ۲۶- نوری ، حسین بن محمد تقی ، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، دوره ۲۸ جلدی ، قم ، موسسه آل البيت علیهم السلام ، ۱۴۰۸ ق.
- ۲۷- یزدی ، محمد ، اخلاق قضایی ، قم ، انتشارات پیام مهدی (عج) ، ۱۳۸۶ .

SID



ابزارهای پژوهش



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه‌های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم‌های آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش مهارت‌های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت‌های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران